



۲۰۱۶/۰۸/۰۳



جلیل غنی هروی

## حقایق پشت پرده "جنبش روشنائی"

پس از حادثه المناک دوم اسد به رهبری حرکتی که خود را "جنبش روشنائی" می خواند و دران حد اقل ۸۴ نفر شهید و بیش از ۲۳۰ نفر دیگر زخمی گردیدند و کابل را به یک ماتمرا تبدیل کرد، با گذشت هر روز حقایق و حدس های از جانب حلقات مطلع و پژوهشگران در مورد انگیزه و اهداف این حرکت و این مظاهره بر ملا می گردد. این قلم در همان روز های اول مقاله مفصلی در مورد حق مسلم هر افغان برای تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز مطابق به احکام قانون اساسی افغانستان نگاشتم که در سایت ملی آریانا افغانستان آنلاین نشر گردید. دران مقاله بر جوانب مختلف این حادثه و چگونگی انکشاف آن از یک خواسته مردمی به یک واقعه المناک توضیحاتی که مبتنی بر اطلاعات دست داشته همان زمان بود، ارائه گردید ولی تحلیل و تعبیر اقدام به مظاهره و دلایل توسل به آن در شرایط خاص امروزی افغانستان هم تشریح گردیده بود که بطور مختصر باید عرض نمود که در حالت جنگ ویرانگر و خانمان سوزی که بر افغانستان تحمیل شده و همه روزه با دسیاسی که همسایگان افغانستان طرح ریزی میکنند، از مردم بیگناه افغانستان قربانی میگیرد، سوال های بسیار بجا باقی می ماند که در چنین شرایطی آیا تامین امنیت حد اقل یک هزار نفر در یک اجتماع (بگذریم از ادعای که می گویند ده ها هزار نفر بودند) امکان پذیر هست؟ در مسیر حرکت این مظاهره از غرب کابل تا چها راهی دهمزنگ که حد اقل شش کیلو متر میگردد ده ها کوچه و پس کوچه به جاده عمومی از کوته سنگی تا دهمزنگ وصل میشود به چه تعداد نیرو و پاسبان می تواند تمامی آنانی که از هر مسیری و کوچه و پس کوچه ای که به این اجتماع داخل می شوند بر رسی و تلاشی نماید تا از امکان نفوذ قاتلین مردم افغانستان بداخل چنین اجتماعی جلوگیری شود و آیا تنظیم کنندگان این اجتماع این درک را نداشتند که در افغانستان در حالت جنگ قرار دارد و امکان هر گونه حادثه که باعث هلاکت گناهان گردد موجود است؟ آیا آنها کر بودند و صدای انفجارات و حملات انتحاری را هر روز و هر ساعت در کابل نمی شنیدند؟ و آیا کور بودند که گزارش های خونبار این واقعات را در تلویزیون های خود شان نه بینند؟ اگر این تنظیم کنندگان که رهبران خود خوانده که حالا گلون پاره میکنند چنین درکی از اوضاع و شرایط شهری که دران زندگی میکنند ندارد، سزاوار رهبری چنین حرکتی هم بوده نمی توانند چون مدعیان این گونه حرکت ها باید شرایط ذهنی و عینی جامعه و ما حول شان را بدانند تا موجب کشتار مردم بی گناه و عالیشان ترقی و عدالت نگردند.

عدم آمادگی آنانی که خود را "رهبران" این جنبش می خوانند به مذاکره با هیات های حکومت با وصف دو بار حاضر شدن این هیات ها در مسجدی که قرار بود مذاکره صورت بگیرد، و خروج این به اصطلاح رهبران از آن مسجد با

ورود هیات و تأکید بر موقف عدم مذاکره با دولت، خود بیانگر "خامی" و یا هم "اطاعت از یک طرح قبلی" و ماجراجویی نیست؟

بدون دفاع از موقف دولت و محض برای توضیح حقایق، آیا عدم پذیرفتن تصمیم دولت برای تمدید یک لاین برق ۲۲۰ کیلو وات از سالنگ به بامیان که ظرفیت ۳۰۰ میگا وات برق را دارا میباشد، خود دلیلی برای ماجرا جوئی و یک نمایش سیاسی برای "کسب شهرت" و "مطرح شدن" بوده نمی تواند؟

اگر هدف روشن شدن خانه های بامیانی ها و رفع نیازمندی های آنها باشد، بر طبق طرح و پلان حکومت برق تا شش ماه دیگر باید به میان برسد ولی حقایقی که هر روز بر ملا میگردد نشان می دهد که "در زیر کاسه نیم کاسه ای" هست. معلوم می شود که این "جنبش" برق نه می خواهد بلکه به "مسیر برق" و "سویچ" برق علاقمند است تا در آینده به حیث یکی از ابزار فشار و بدست آوردن امتیازات از آن استفاده نماید. از این برق کابل، میدان وردک و ولایات جنوب استفاده خواهند بر. به طور مثال وقتی به گذشته مناسبات و اختلافات بین باشندگان میدان و وردک با باشندگان مناطق مرکزی روی علف چرهای این منطقه نظر اندازیم کشمکش ها و دعوی های چندین ساله را بیاد می آورد که بسیاری اوقات با جنگ های مسلحانه و کشتار ها همراه بوده و درد سر های هم برای باشندگان هر دو طرف و هم برای دولت های گذشته و حال ایجاد کرده است. همچنان از این "سویچ و مسیر" به حیث وسیله فشار برای کسب امتیازات سیاسی و کرسی های عمده ای بیشتر در دستگاه حاکمه نیز می تواند استفاده شود.

درین شکی نیست که باشندگان مناطق مرکزی نه تنها بامیان بلکه اورزگان، دایکندی، غورو برخی دیگر که در قطار ولایات و مناطق عقب مانده قرار دارند مثل هر ولایت دیگر و منطقه دیگر افغانستان مستحق انکشاف و توزیع عادلانه برنامه های انکشافی هستند ولی نباید از این خواسته معقول برای تخریب و بی ثباتی و بر هم زدن صلح و آرامش با قربانی ساختن بی گناهان بی خبر از امیال پشت پرده بر گزار کنندگان چنین اجتماعات در چنین اوضاع و شرایطی، استفاده شود که قوای امنیتی جانباز افغانستان همین اکنون در سی و پنج در صد خاک افغانستان مشغول تأمین صلح دفاع از تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، استقلال و جلوگیری از روی کار شدن مجدد نظام مستبد و متحجری که جز به کشتن و زدن و بستن و تعجیز و توهین به هیچ اصل دیگری پایند نیست، شجاعانه و مردانه وار قربانی می دهند.

حالا آهسته آهسته آشکار می گردد که در چنین حرکاتی دستان بیگانگان دخیل است و وقتی به عمق چنین حرکات دیده شده، معلوم گردیده که منافع نامشروع همسایگان دران دخیل بوده است. این که رهبران "جنبش" از چنین دسایسی آگاه بوده اند و یا این که نیستند هم سوالی است که تحقیقات و بررسی های آینده به آن جواب خواهد داد ولی در عالم اسباب و با در نظر داشت شواهد و نظریاتی که هر روزه بر این "حرکت" روشنی می اندازد بر می آید که فقط در این گونه حوادث و حرکات باز هم قربانی همان مردمان صادق و بی خبر با احساس و خواهان ترقی و پیشرفت هستند که فریب داده میشوند و قربانی می گردند تا باز فلان ابن فلان ابن فلان به شهرت و نانی و نوائی برسد. بر مردم پاک و بی آلایش و صادق و وطن دوست است که چنین حرکت ها و اشخاص را تشخیص داده و دیگر فریب آنها را نخورند که از بیش از چهل سال به این طرف از راست و چپ از سرخ و سبز و با هر گونه رنگ و میلان سعی کرده اند این ملت ستم دیده و زحمت کش را در گروگان نگهدارند.

یکی از روشنگری ها و افشای حقیق پشت پرده اظهاراتی است که شما در ویدیوی در لینک آتی می توانید بشنوید. با دیدن این ویدیو می توان به یک سلسله حقایق پی برد که باید به این حرکت گفت بجای بدست آوردن برق "ترکمنستان راه ترکستان" را در پیش گرفته است. لطفاً برای دیدن این ویدیو بر لینک زیر کلیک کنید:

<https://www.youtube.com/watch?v=۱۶itk۳Cyh۱۷>

برخی از جریان های سیاسی سران جنبش روشنایی را به تحقق اهداف کشورهای بیرونی متهم کرده اند

